

بین‌المللی شدن آموزش عالی: مفاهیم، رویکردها و سیاست‌ها

بین نایت
و ترجمه نیلا فلاحتی



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت فرهنگ، هنر و تفریح



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بین‌المللی شدن آموزش عالی: مفاهیم، رویکردها و سیاست‌ها

ترجمه: لیلا فلاحتی

مؤهیت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

براستا: تصدیق

طرح‌بند: هاجر

چاپ: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴۳۷۰۷۰۷

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷
سایت: www.iscs.ac.ir
پست الکترونیکی: info@iscs.ac.ir
کلیه آثار این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی، خطر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تایید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: نایت، جین / Knight, Jane

عنوان و نام پدیدآور: بین‌المللی شدن آموزش عالی: مفاهیم، رویکردها و سیاست‌ها/ جین نایت؛ مترجم: لیلا فلاحتی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص:، جدول، نمودار: ۱۴/۲۱×۵/۱۴، س.م.

شابک: 978-600-6996-70-7: ۱۰۰۰۰۰ ریال

یادداشت: کتاب حاضر از دو کتاب تحت عنوان «International Education hubs, 2013» و «Internationalization of higher education: new directions, new challenges»

نوشته جین نایت به فارسی ترجمه شده است.

موضوع: بین‌المللی شدن آموزش عالی

موضوع: internationalization of higher education

موضوع: جهانی‌شدن آموزش عالی

موضوع: Globalization of higher education

موضوع: آموزش عالی -- همکاری‌های بین‌المللی

موضوع: Education, Higher -- International cooperation

شناسه افزوده: فلاحتی، لیلا، ۱۳۵۳ -، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رده‌بندی گنجره: ۱۳۹۵ ب ۲ ن / ۱۰۹۰ LC

رده‌بندی دیویی: ۳۷۰/۱۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۴۳۷۱۴

فهرست

۷	دیاچه پژوهشکده
۹	مقدمه
۱۹	بازارایی بین‌المللی شدن: مفاهیم، رویکردها و اصول
۵۵	بین‌المللی شدن: یک دهه تغییر و چالش
۶۱	پنج باور غلط پیرامون بین‌المللی شدن
۷۳	دلایل و محرک‌های جدید در بین‌المللی شدن
۷۳	به‌روزرسانی تعریف بین‌المللی شدن آموزش عالی
۷۹	دانشگاه‌های بین‌المللی: سوءتفاهم‌ها و مدل‌های نوظهور؟
۱۰۷	یک چارچوب مفهومی برای همگرایی منطقه‌ای آموزش عالی در آسیا
۱۲۵	قطب‌های آموزش: ابعاد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی
۱۶۵	قطب‌های آموزش بین‌المللی: مشارکت به منظور رقابت و پایداری
۱۸۷	نمایه

مقدمه

طی دو دهه گذشته، بین‌المللی شدن آموزش عالی به‌عنوان یکی از اولویت‌های توسعه آموزش در کشورهای جهان مورد توجه جدی قرار گرفته است، به‌طوری که بیشتر نشان‌های بین‌المللی شدن همچون افزایش تحصیل در خارج از کشور، افزایش انگارهای کشورهای توسعه‌یافته با تأسیس مراکز برون‌مرزی در کشورهای در حال توسعه و تولید برنامه‌های آموزشی در مقیاس جهانی را می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد. گسترش روزافزون اقدامات نهادی، ملی و بین‌المللی به‌منظور توسعه آموزش عالی فراتر از مرزهای جغرافیایی نه‌تنها در حوزه اقدامات، بلکه در حوزه مطالعات و پژوهش‌های بنیادی نیز مورد توجه قرار گرفته است. توسعه رویکردهای جدید نظری، اجرایی و استراتژیک در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله شاخص‌ترین حوزه‌ها هستند. نظر به اهمیت موضوع بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مطالعات بنیادی و کاربردی مرتبط با تجارب دیگر کشورها و زمینه‌های

توسعه بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران را مورد توجه قرار داد. در فرایند این مطالعات یکی از چالش‌های مستمر، گسستگی منابع و عدم به‌روزرسانی مراجع موجود در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی در کشور بود. به منظور برآوردن این مهم، بر آن شدیم تا رویکردها و مطالعات برخی از پژوهشگران متأخر حوزه بین‌المللی شدن را در اختیار همکاران و علاقه‌مندان این عرصه قرار دهیم.

در نوشتار پیش رو، تألیفات جین نایت، متخصص مطالعات آموزش عالی و ریچارد لیز در انستیتوی مطالعات آموزش آنتاریو در دانشگاه تورنتو کانادا، ارائه شده است. نایت مطالعات فراوانی در موضوع بین‌المللی شدن آموزش عالی داشت و مفاهیم و رویکردهای مختلفی را در این زمینه توسعه داده است. مطالعات نایت در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در بین‌المللی شدن آموزش عالی متمرکز بود و در همین زمینه جوایز و افتخارات مختلف دریافت نموده است. از جمله می‌توان به دریافت مدال گیلبرت در سال ۲۰۱۳ برای انجام مطالعات و سیاست‌گذاری، زمینه بین‌المللی شدن، دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه اکستر انگلستان (۲۰۱۰) به خاطر انجام پژوهش، تدریس و طراحی سیاست در زمینه آموزش عالی و چندین جایزه بین‌المللی دیگر اشاره نمود. نایت در سال ۲۰۱۴ کتابی تحت عنوان «مراکز آموزش بین‌المللی» منتشر کرد و در آن به بررسی آینده مراکز منطقه‌ای آموزش بین‌المللی پرداخت. وی از سال ۱۹۹۷ مطالب و مقالات مختلفی در زمینه آموزش عالی بین‌المللی تألیف نموده است. از مجموع مقالات منتشرشده او تعدادی در این نوشتار انتخاب شده‌اند که مرتبط با تعریف بین‌المللی شدن آموزش عالی، سیاست‌ها، اقدامات، انواع دانشگاه بین‌المللی، رویکردها، و حوزه‌های جدیدی هستند که شامل منطقه‌ای شدن و قطب‌های آموزشی می‌باشند.

از نظر روند مطالعاتی، بیش از بیست سال است که مباحث و گفتمان‌های زیادی پیرامون تعریف بین‌المللی شدن مطرح شده‌اند، اما باید خاطرنشان کرد که بین‌المللی شدن، اصطلاح جدیدی نیست و قرن‌ها در علوم سیاسی و روابط حکومتی به کار رفته است. به عبارت دیگر کاربرد این اصطلاح در آموزش از اوایل دهه ۱۹۸۰ رواج یافت. قبل از این، آموزش بین‌المللی، اصطلاح پرتعدادی بود و البته در برخی کشورها هنوز این اصطلاح کاربرد دارد. در دهه ۱۹۹۰، بحث پیرامون استفاده از اصطلاح آموزش بین‌المللی بر مبنای تمایز آن با آموزش تطبیقی، آموزش جهانی و آموزش - مدفهره‌ای متمرکز بود. در واقع در اواخر دهه ۱۹۸۰، بین‌المللی شدن عموماً به معنای توسعه‌ی و برحسب برخی فعالیت‌ها تعریف می‌شد. در اواسط دهه ۱۹۹۰ فرایند ریزکردی سازمانی از سوی جین نایت مطرح شد و نشان داد که بین‌المللی شدن، فرایندی است که باید در سطح نهادی تلفیق شود و به پایداری بر اساس بین‌المللی شدن به عنوان فرایند تلفیق جنبه‌های بین فرهنگی و بین‌المللی در فعالیت‌های تدریس، تحقیق و خدمات مؤسسه تعریف شد. با آغاز قرن بیست و یکم، روند بین‌المللی شدن، ابعاد و کارکردهای جدیدی به خود گرفت و بین‌المللی شدن به عنوان فرایند و فراتر از تحولات در شیوه تدریس و یادگیری نمود یافت و ضرورت بازخوانی تعاریف و کارآمدی آنها در شرایط جدید مورد تأکید قرار گرفت. طی دو دهه اخیر تغییر در انگیزه‌ها، تأمین‌کنندگان، ذینفعان و فعالیت‌های بین‌المللی شدن، تجدید نظر در تعریف بین‌المللی شدن آموزش عالی و حصول اطمینان از اینکه تعریف جدید قابلیت بازتاب واقعیت‌های امروزی و تعیین مسیر آینده را دارد، ضروری نمود. در حقیقت طی یک دهه گذشته، بین‌المللی شدن از اقدامات به سوی فرایندها حرکت کرده و در یک تعریف کلی فرایند تلفیق جنبه‌های بین‌المللی، بین فرهنگی و جهانی در

اهداف، کارکردها و ارائه آموزش تکمیلی پس از مدرسه مطرح شده است. تأکید بر تلفیق موضوع بین‌المللی شدن در اهداف، کارکردها و خدمات آموزشی، منجر به مطرح شدن نقش جدی ساختارهای نهادی و سازمانی، سیاست‌ها و استراتژی‌ها در این فرایند شد.

فرایند بین‌المللی شدن سه سطح سیاست‌گذاری شامل ملی، بخشی و سازمانی قابل بررسی است. سطح ملی و بخشی، تمامی سیاست‌های تأثیرگذار و یا تحت‌تأثیر بین‌المللی آموزش عالی شامل سیاست‌هایی در حوزه‌های روابط خارجی، کمک به توسعه، تجارت، مهاجرت، اشتغال، علم و فناوری، میراث و فرهنگ، آموزش، توسعه اجتماعی، صنعت و تجارت و غیره است. بخش آموزش نیز علاوه بر این‌ها، سیاست‌گذاری‌های ویژه همچون صدور مجوز، اعتبارنامه، تأمین مالی، برنامه درسی، آموزش، پژوهش و مقررات آموزش تکمیلی پس از مدرسه است. این سیاست‌های آموزشی تأثیرات مستقیمی بر انواع مختلف تأمین‌کنندگان و ارائه‌دهندگان آموزش اعم از خصوصی و دولتی، مؤسسات و شرکت‌های انحصاری و غیرانتفاعی دارند. علاوه بر این باید به نقش تجارت در آموزش هم توجه نمود، چراکه بسیاری از مؤسسات دولتی و خصوصی با اهداف تجاری وارد این عرصه شده‌اند و در نتیجه سیاست‌های حمایتی همچون عرضه سهام این مؤسسات به بورس، نقش موثری در ایجاد رقابت در این عرصه خواهند داشت. سطح بعدی سیاست‌گذاری، سطح نهادی و مؤسسه‌ای است که اقدامات و راهبردهایی هستند که به اولویت‌ها و طرح‌های مؤسسات و مراکز آموزشی در زمینه بین‌المللی شدن مأموریت‌ها، اهداف، ارزش‌ها و کارکردهای مؤسسه می‌پردازند. این سیاست‌ها شامل مأموریت‌ها و یا سیاست‌های نهادی در زمینه تحصیل در خارج از کشور، اشتغال دانشجویان، ارتباطات و مشارکت‌های بین‌المللی، خدمات آموزشی برون‌مرزی، فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور

و غیره می‌باشند. در سطح مؤسسات، رویه‌ها و سیاست‌های گسترده‌ای به کار می‌روند که از جمله می‌توان به تضمین کیفیت، برنامه‌ریزی، تأمین مالی، نیروی انسانی، توسعه دانشکده‌ها، مجوز ثبت نام و پذیرش، پژوهش، برنامه درسی، حمایت‌های دانشجویی، پروژه، قراردادها و غیره اشاره کرد.

در حالی که از یک‌سو سیاست‌ها و راهبردها در بین‌المللی شدن مطرح هستند، موضوع انگیزه‌ها نیز به همان اندازه تأثیرگذار و تعیین‌کننده است. به طرک مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های بین‌المللی شدن را در سطح ملی و بین‌المللی می‌توان به دلایل اقتصادی، سیاسی، آکادمیک و دلایل اجتماعی-فرهنگی آسیم‌بناس نمود. در حوزه اقتصادی می‌توان به دلایلی همچون رقابت و رشد اقتصادی، ازار نیروی کار، انگیزه‌های مالی؛ در حوزه سیاسی به سیاست خارجی، امنیت ملی، کمک‌های فنی و تخصصی، صلح و درک متقابل، هویت ملی و تقویت هریت منطقه‌ای؛ در حوزه آکادمیک به تقویت جنبه بین‌المللی پژوهش و آموزش، گسترش چشم‌انداز توسعه علمی، ایجاد مؤسسات جدید، کسب جایگاه و موقعیت در عرصه جهانی، بهبود کیفیت و کسب استانداردهای آکادمیک بین‌المللی و اتمام در حوزه اجتماعی-فرهنگی به انگیزه‌هایی همچون معرفی هویت فرهنگی ملی، فرصت شناخت بین فرهنگی، توسعه شهروندی و توسعه اجتماعی اشاره کرد. علاوه بر این در دو دهه گذشته عوامل جدیدی نیز در این عرصه مطرح شده‌اند که در سطح ملی می‌توان به انگیزه‌های جدیدی همچون اهمیت یافتن توسعه ملی، انسانی، پیمان‌های استراتژیک، تجارت بازرگانی، کشورسازی و توسعه اجتماعی-فرهنگی و در سطح نهادی و مؤسسه‌ها می‌توان به عواملی همچون کسب وجهه و برند بین‌المللی، تولید درآمد، توسعه دانشجویان و نیروی کار، پیمان‌های استراتژیک و تولید دانش اشاره نمود.

بر این اساس در فرایند بین‌المللی شدن؛ استراتژی، سیاست و اقدامات چندلایه‌ای از سطح بین‌المللی تا سطح سازمانی مورد نیاز هستند و در شکل‌گیری آن انگیزه‌ها و عوامل مختلفی دخیل می‌باشند که برای تحقق آنها نیاز به توازن و همگرایی بین اقدامات وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مؤثرات، که در این مسیر منجر به ایجاد مباحث گسترده شده است، برداشتهای اشتباه در مورد بین‌المللی شدن است. نایت در بررسی خود به پنج باور غلط رایج در این حوزه پرداخته است. یکی از مهم‌ترین باورهای اشتباه، در نظر گرفتن دانشجویان خارجی به عنوان عاملان بین‌المللی شدن است. در واقع یکی از رایج‌ترین تصورات این است که هرچه تعداد دانشجوی خارجی در یک کشور افزایش یابد، حرکت به سوی بین‌المللی شدن تسریع می‌شود. باور اشتباه دوم پیوند دادن وجه بین‌المللی با شاخص کیفیت است. به عبارت دیگر این تصور ایجاد شده است که بین‌المللی شدن یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت است و این در حالی است که این دو، متضمن یکدیگر نیستند. سومین برداشت اشتباه مربوط به تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی و این تصور است که با امضای تفاهم‌نامه آموزشی بین دو کشور، بین‌المللی شدن رخ داده است. چهارمین اشتباه به اندازه‌گیری بین‌المللی و این فرض مرتبط است که هرچه یک مؤسسه ستاره‌های اعتباری بیشتری در سطح بین‌المللی داشته باشد، بین‌المللی‌تر است و در نتیجه وضعیت بهتری دارد، در حالی که به رسمیت شناخته شدن یک مؤسسه از سوی خارجی‌ها به معنای بین‌المللی شدن فعالیت‌ها نیست. آخرین اشتباه به موضوع کسب برند جهانی و اینکه هدف از بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، ارتقای اعتبار یا کسب برند جهانی است، ربط دارد. بدین ترتیب ممکن است فعالیت‌های بازاریابی بین‌المللی با طرح بین‌المللی شدن اشتباه گرفته شوند و بین‌المللی شدن به فعالیت‌های بازاریابی و تبلیغی برای جلب فرصت‌ها محدود شود. همان‌گونه

که قبلاً اشاره شد، بین‌المللی شدن محدود به یک اقدام نمی‌شود و در اصل، استراتژی‌ای برای تلفیق جنبه‌های بین‌المللی، بین فرهنگی و جهانی در اهداف و فعالیت‌های پژوهشی و خدماتی دانشگاه است. اشاره به این نکته اهمیت دارد که در حال حاضر برای دانشگاه بین‌المللی هیچ مدل استاندارد وجود ندارد و دلیل مهم این است که شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آکادمیک کشورها با یکدیگر متفاوت هستند و در نتیجه نمی‌توان یک مدل واحد متعین را پیدا کرد. اما با بررسی مدل‌های موجود می‌توان به یک تقسیم‌بندی از اشکال موجود دانشگاه‌های بین‌المللی رسید. براساس مدل‌های موجود، سه مدل یا سه سطح دانشگاه بین‌المللی شامل مدل کلاسیک، ماهواره‌ای و مشارکتی است. در مدل کلاسیک تنوع و تعداد برنامه‌های مشترک بین‌المللی، دانشجویان و اساتید بین‌المللی و فعالیت‌های مشارکتی یا بین فرهنگی بسیار زیاد است. مدل ماهواره‌ای شامل دانشگاه‌هایی است که دفاتر نمایندگی در قالب شعب دانشگاهی، مراکز پژوهشی، دفاتر مدیریتی و اجرایی تحقیق و ادارات مدیریتی و پروژه‌ای در کشورهای مختلف جهان دارند. جدیدترین نسل دانشگاه‌های بین‌المللی، مؤسسات و دانشگاه‌هایی با مؤسسان مشترک هستند که توسط دو یا چند مؤسسه شریک از کشورهای مختلف بنیان‌گذاری شده‌اند. توسعه مدل اخیر دانشگاه بین‌المللی که مبحثی در سه مایه‌گذاری مشترک است، نشان از اهمیت یافتن همگرایی و همکاری به‌یشتی مناطق جغرافیایی در تحقق بین‌المللی شدن دارد. در واقع حرکت به سوی افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای و هماهنگی سیستم‌های ملی در تمامی مناطق دنیا اتفاق افتاده و فرایندی است که منجر به تقویت همکاری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای در حوزه آموزش عالی خواهد شد.

در حوزه همگرایی منطقه‌ای آموزش عالی سه رویکرد کلی کارکردی، سازمانی و سیاسی قابل شناسایی هستند. مهم‌ترین ویژگی این سه رویکرد،

درهم‌تنیدگی و پیوند آنها با یکدیگر است، به عبارت دیگر در تحقق منطقه‌ای شدن آموزش عالی این رویکردها به‌تنهایی قادر به ایجاد تغییر نیستند، بلکه به نوعی همدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند. در رویکرد کارکردی که مقدمه حرکت به سوی منطقه‌ای شدن است، همسویی نظام آموزش عالی، ایجاد برنامه‌های مشترک و مدرک واحد و سیستم ارزیابی یکسان، از ضروریات آن باشند. بعد از تکمیل مرحله کارکردی تحولات سازمانی که در آن ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای و ساختارهای متشکل از کشورهای مختلف نقش ایفا می‌کنند، منطقه‌ای را می‌گیرند. شبکه‌سازی، تأسیس اتحادیه و بانک‌های مشترک از جمله اشکالات این حوزه در منطقه آسیا هستند. سرانجام در سطح سیاسی مشارکت‌های و اجلاس‌های بین‌المللی در سطح سران کشورها نقش مهمی ایفا می‌کنند. آخرین مبحثی که در حوزه بین‌المللی شدن آموزش عالی مورد توجه واقع شده، قطب‌های آموزشی هستند. قطب‌های آموزشی، حوزه جدید و مهمی به حساب می‌آیند و سبب نسل جدید فعالیت‌های آموزشی بین‌المللی هستند؛ جایی که حداقل مورد نیاز و محل مشترک و ارتباط میان دانشگاه‌ها، دانشجویان، مؤسسات پژوهشی و صنایع خصوصی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار اهمیت است. مقیاس‌های مختلف (شهر، ناحیه، کشور) و انواع مختلف (دانشجویان، استعدادها و دانش) از قطب‌های آموزشی وجود دارند. دلایل، عوامل و نتایج مورد انتظار براساس جهت‌گیری قطب نسبت به افزایش فرصت‌های آموزش عالی برای دانشجویان و آموزش به منظور توسعه منابع انسانی و افزایش نیروی کار حرفه‌ای یا جهت‌گیری به سوی تولید دانش و نوآوری متفاوت هستند. قطب آموزش اقدامی برنامه‌ریزی‌شده در جهت ایجاد حد نصاب مورد نیاز متشکل از فعالان داخلی و بین‌المللی است که به طور راهبردی به آموزش

برون مرزی، تولید دانش و ابتکارات نوآوری می‌پردازند. سه نوع قطب دانشجویان، استعدادها و دانش نوآوری از متداول‌ترین انواع قطب‌های آموزشی در سطح بین‌المللی می‌باشند.

قطب دانشجویان از متمرکزترین و در حال حاضر از متداول‌ترین انواع قطب‌های آموزش است. فعالیت اصلی این قطب، آموزش دادن به دانشجویان داخلی، مهاجر و بین‌المللی است. این قطب علاوه بر جذب دانشجویان راجب مؤسسات آموزش عالی خارجی تمرکز دارد تا برنامه‌های مشترک ارائه و یا برای افزایش دسترسی، شعب دانشگاهی ایجاد کند. قطب‌های استعداد (نیروی کار با مهارت) بر آموزش دانشجویان تمرکز دارند، اما تفاوت آنها با قطب‌های دانشجویی این است که هدف نهایی آنها، توسعه منابع انسانی برای نیروی کار حرفه‌ای می‌باشد. در نتیجه دانشجویان خارجی تشویق می‌شوند تا به منظور اشتغال، در کشور میزبان بمانند. قطب دانش - نوآوری فراتر از آموزش، تولید و توزیع دانش و نوآوری را شامل می‌شود و نقش مهمی در مدیریت دانش و تولید علم در منطقه دارد. شش قطب در مناطق مختلف خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و آفریقا واقع شده‌اند و شامل قطر، امارات متحده عربی، هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور و بوتسوانا هستند که در این نوشتار مورد مطالعه قرار گرفته و مهم‌ترین دلایل توسعه قطب و دستاوردهای آنان بررسی شده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی نایت تأکید دارد که بین‌المللی شدن آموزش عالی، فرایندی چندبعدی و چندوجهی است که در کلیه ابعاد آموزش عالی و همچنین ساختار ملی و نهادی شکل می‌گیرد و اقداماتی همچون جذب دانشجوی خارجی، تفاهم‌نامه‌های همکاری و یا حتی کسب برندهای بین‌المللی به معنای بین‌المللی شدن نیست. به همین ترتیب سیاستگذاری و اقدامات در مسیر بین‌المللی شدن نیز نیازمند توجه در سطوح مختلف ملی، بخشی و نهادی است.

منطقه آسیا از جمله حوزه‌هایی است که روند بین‌المللی شدن را به سرعت تجربه نموده و دو پیشرفت عمده در این منطقه، منطقه‌ای شدن و ایجاد قطب‌های آموزشی بوده است. بررسی هر دو روند نیز نشان داد برنامه‌ریزی‌های منسجم و چندلایه، حضور فعال در عرصه بین‌الملل به‌ویژه در اتحادیه‌ها و مجامع و پیوند زدن روند توسعه ملی با اهداف بین‌المللی شدن، نقش مهمی در رفیقیت دارند. نهایتاً اینکه مشارکت و همکاری میان بخش‌های سیاستگذار و عوامل اصلی و بین‌المللی و توجه جدی به ساختارهای داخلی کشور در فرایند بین‌المللی شدن ضروری است.